

روشن‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی

www.ketab.ir

السلام ومدرسيته



روشن‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی

نویسنده	حمید پارسائیا
مستندات نشر	چاپ اول / پاییز ۱۴۰۰ / نسخه
ناشر	کتاب فردا
طرح جلد	علی ناصری
قیمت	۴۷۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۲۶-۴-۲

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور: روش‌شناسی انتقادی حکمت
محل چاپ: حمید پارسا-
مشخصات نشر: قم: کتاب فردا، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
فروست: اندیشه؛ ۴.

۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۶-۴-۲	شابک
فیفا	وضعیت فهرست نویسی
علوم سیاسی -- فلسفه	موضوع
علوم اجتماعی -- روش شناسی	موضوع
JAVI/۱۳۸۹ ۲/۲۹	رده بندی کنگره
۳۲۰/۱	رده بندی دیویی
۲۰۳۹۹۱	شماره کتاب شناسی ملی

کتاب فردا
قم، خیابان معلم، میدان روح الله، نبش
کوچه ۱۷، پلاک ۳
تلفن: ۰۲۵۱۷۷۶۶۹۹۲
صندوق پستی: ۳۷۱۵۵-۸۱۳۷



خدمات چاپ و بخش کتاب فردا ۰۲۵۱۷۷۴۶۹۹۲
فروش اینترنتی www.BookRoom.ir

کتابه حقوقه ملای و معنوی و هنری اثر: برای ناشر محفوظ است

مقدمه/ ۹

- ۱۹ بازسازی علم مدرن و بازخوانی علم دینی
- ۳۹ نسبت علم و فرهنگ
- ۵۳ از عقل قدسی تا عقل ابزاری
- ۶۷ روش‌شناسی و اندیشه سیاسی
- ۸۱ روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علم سیاست
- ۹۵ نقد روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علم سیاست
- ۱۰۳ نقد نقد روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علم سیاست
- ۱۲۱ نسبت فقه سیاسی و فلسفه سیاسی
- ۱۳۵ رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی
- ۱۵۹ ولایت فقیه؛ نظارت، مشروعیت
- ۱۷۱ اخلاق و سیاست
- ۱۷۹ چیستی و هستی جامعه از نظرگاه شهید مطهری
- ۲۰۷ علم و فلسفه سیاسی در حوزه‌های علمیه
- ۲۲۷ آموزش علوم سیاسی در حوزه‌های علمیه
- ۲۴۱ تمدن‌سازی؛ نظریه پردازی و گفت و گو

کتابنامه/ ۲۴۹

نمایه/ ۲۵۵

مجموعه حاضر، حاوی برخی مقالات و مصاحبه‌هایی است که از سال ۸۰ تا ۸۸، با محوریت روش‌شناسی علوم اجتماعی و سیاسی انجام گرفته است. بیشتر مقالات، سرمقاله‌هایی است که در سال‌های یادشده، در فصل‌نامه علوم سیاسی منتشر شده و به همین دلیل، عناوین و مباحث این مقالات، بیشتر متوجه علوم سیاسی است. نظیر روش‌شناسی اندیشه سیاسی و روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علم سیاست.

مباحث مطرح‌شده در این اثر با آنکه ناظر به موضوع و مسائل علم و دانش سیاسی است، نسبت به دیگر رشته‌های علوم اجتماعی و از جمله جامعه‌شناسی قابل تعمیم است.

این مجموعه با مقالاتی آغاز می‌شود که درباره ماهیت علم و دانش است و به بخشی از مباحث معرفت‌شناختی که در حوزه فلسفه و دانش علوم اجتماعی تأثیرگذار است، می‌پردازد. مقالات بعدی، شامل مباحث روش‌شناسی علوم اجتماعی و سیاسی می‌باشد و مقاله دوازدهم، نمونه‌ای از کاربرد روش نقلی را در یکی از مباحث بنیادین علوم اجتماعی؛ یعنی هستی‌جامعه ارائه می‌دهد. بخش پایانی، مشتمل بر دو مصاحبه درباره وضعیت فلسفه و علوم سیاسی در

حوزه‌های علمیه است.

مقالات و مصاحبه‌های ارائه شده در این اثر که به صورت فصل‌های کتاب تنظیم شده‌اند، به ترتیب عبارتند از:

۱. بازسازی علم مدرن و بازخوانی علم دینی

این اثر در سیزدهم دسامبر سال ۲۰۰۶ میلادی، در کنفرانس بین‌المللی «آینده گفت‌وگوی دین و علم»^۱ در دانشگاه «پارا مدینه» جاکارتا ارائه شد و در شماره سوم فصل‌نامه تخصصی «راهبرد فرهنگ» نیز منتشر گردید که به مفهوم، علم در سده‌های نوزدهم و بیستم می‌پردازد و تغییراتی را که این مفهوم به دلیل تغییر مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی جامعه علمی پیدا کرده است، دنبال می‌کند و ضمن بازگوکردن مبانی تجربی و ما بعد تجربی علم مدرن، هویت فرهنگی و تاریخی این معیار را بازگو می‌کند و با اشاره به معنای قدسی و دینی علم پایان می‌پذیرد.

۲. نسبت علم و فرهنگ

مقاله، حاصل نشست در کنفرانس بین‌المللی نهضت نرم‌افزاری دانشگاه آزاد، در سال ۱۳۸۵ است. این مقاله در شماره چهارم فصل‌نامه «راهبرد فرهنگ» منتشر گردید. در این نوشتار، چهار دیدگاه مختلف درباره نسبت فرهنگ و علم بیان شده است. دیدگاه‌های مزبور، مبتنی بر چهار نوع تعریف مختلف از علم و هر یک از تعاریف یادشده، متناسب با فرهنگ و دوره تاریخی خاصی می‌باشد.

۳. از عقل قدسی تا عقل ابزاری

این مقاله در کنفرانس مشترک مسلمانان و منوایت‌ها در سال ۲۰۰۰، در تورنتو کانادا ارائه و در فصل‌نامه علوم سیاسی و در شماره نوزدهم آن منتشر شد. در ابتدای این مقاله، یازده معنای عقل، به اجمال بازگو و سپس به نسبت روشنفکری مدرن با معنای یادشده پرداخته و از جایگاه عقلانیت ابزاری و نهایتاً مرجعیت عقل عرفی در جهان مدرن بحث می‌شود.

توجه به مفهوم علم و عقلانیت، از مقدمات مورد نیاز برای ورود به مباحث روش‌شناختی علوم و از جمله علوم اجتماعی و سیاسی است و به همین دلیل، این سه مقاله برای نخستین بخش از مباحث کتاب انتخاب شده‌اند.

۴. روش‌شناسی و اندیشه سیاسی

این بخش به عنوان سرمقاله برای شماره بیست و هشتم فصل‌نامه علوم سیاسی تدوین شد که به مباحث روش‌شناختی اختصاص داشت. در این بخش، ابتدا اصل روش‌شناسی و جایگاه آن در بین سایر علوم بیان می‌شود و با پرداختن به نسبت روش‌شناسی با فلسفه ادامه می‌یابد و در بخش پایانی، روش‌های اندیشه سیاسی در دنیای اسلام سنخ‌شناسی می‌شود.

۵. روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علوم سیاست

عنوان نوشتاری است که در شماره بیست و دوم نشریه علوم سیاسی چاپ شده و در آن، روش‌شناسی فلسفه سیاسی در جهان اسلام به تفصیل بازگو می‌شود. روش قیاسی برهانی، روش فلسفه سیاسی جهان اسلام است و این روش در قبال روش خطابی و شعری است که در اندرزنامه‌ها، سیاست‌نامه‌ها و فتوت‌نامه‌ها به کار برده می‌شود. روش قیاسی برهانی، به تناسب ابعاد موضوع و منابع معرفتی خویش از حسیات، تجربیات، اولیات، فطریات، حدسیات و متواترات بهره می‌برد.

در این مقاله، نشان داده می‌شود که فلسفه سیاسی با توجه به معنای عام فلسفه، همان علم سیاست جهان اسلام است که به گونه‌ای روشمند با رویکردهای توصیفی، تبیینی، هنجاری و انتقادی فعال می‌شود و این گستردگی فعالیت، ناشی از بنیادهای معرفت‌شناختی جهان اسلام است که از منابع حسی، عقلی و وحیانی بهره می‌برد.

مقاله به این بحث نیز می‌پردازد که علم سیاست به معنای مدرن آن، به دلیل تنگناهایی که در مبانی معرفت‌شناختی آن وجود دارد، به بن‌بست رسیده و سر از امتناع در می‌آورد.

مقاله در حقیقت، ادعای نامهای است در قبال دیدگاهی که به امتناع خرد سیاسی در جهان اسلام نظر داده و اندیشه و علم سیاست را متعلق به جهان غرب و دنیای مدرن می‌داند.

۶. نقدی بر روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علم سیاست

این مقاله، نقد دوست عزیز، جناب آقای دکتر صادق حقیقت، بر مقاله روش‌شناسی فلسفه سیاسی است که در شماره بیست و سوم نشریه علوم سیاسی چاپ شد. نویسنده محترم در این اثر، ادعای مقاله، مبنی بر اینکه فلسفه سیاسی جهان اسلام، علم سیاست مربوط به این جهان است، را بر نمی‌تابد و از موضع مفهوم مدرن علم سیاست، نویسنده را به بی‌توجهی و یا خروج از اصطلاح، نسبت به مفهوم علم متهم می‌کند. بیان نقد در این مجموعه، به دو دلیل حائز اهمیت است:

اول: با طرح برخی مسائل، زمینه توضیح بیشتر مدعیات مقاله پیشین را فراهم می‌آورد.

دوم: خواننده با بخش قابل توجهی از ذهنیت علمی معاصر جامعه ایران آشنا می‌گردد. این مقاله، شدت حضور و رسوخ مفاهیم بخشی از تاریخ اندیشه مدرن را که از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد پدید آمده است، به گونه‌ای نشان می‌دهد که خروج از هیمنه آن را غیرممکن می‌نماید.

این نقد، گواهی گویا بر ضرورت تأمل جدی در مفهوم و معنای علم و تصورات تاریخی آن است و این امر، توجه‌گر اختصاص سه مقاله نخست این کتاب به مباحثی پیرامون مفهوم علم و عقلانیت است.

۷. نقد نقد

عنوان پاسخی است که به نقدهای یادشده، داده شده است. این نوشته نیز در شماره بیست و سوم نشریه علوم سیاسی چاپ شده است. این پاسخ، همان گونه که اشاره شد، پرده از اجمال برخی از مباحث مقاله روش‌شناسی فلسفه سیاسی و علم سیاست برمی‌دارد و تعریف فلسفه سیاسی را نه به قرائت مدرن، بلکه به روایتی که حاکی از اندیشه متفکران مسلمان است، مجدداً بیان می‌دارد و روش ویژه آن را که مغایر با روش فرضیه‌ای-استنتاجی پوپر و دیگر روش‌های هنجاری و یا انتقادی مدرن است، بازگو می‌کند.

۸. رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی

به عنوان مقدمه برای ترجمه کتاب «فلسفه علوم اجتماعی» «آندره سائر»، نوشته شده، که

توسط دوست عزیز، جناب آقای دکتر «عماد افروغ» ترجمه شده است. بخش‌هایی از این نوشتار در چاپ نخستین ترجمه مزبور منتشر شد.

در بخش اول این مقاله، با تحلیل مسأله علم، جایگاه روش و روش‌شناسی روشن می‌شود. بخش دوم، به مبانی و بنیادهایی می‌پردازد که روش‌شناسی به عنوان یک علم از آن‌ها استفاده می‌کند. در این بخش، از روش‌شناسی پوزیتیویستی، مردم‌نگارانه، انتقادی یاد می‌شود. در بخش سوم، اهداف و اصول رئالیسم انتقادی آندره سائر که مبتنی بر رئالیسم انتقادی «روی بسکار» است، به تفصیل بازگو شده و به دنبال آن به نقد و بررسی این اصول پرداخته می‌شود. بخش نقد اصول یادشده، بخش نویی است که در مقدمه کتاب مزبور نیامده است.

در بخش پایانی، بعد از تبیین اینکه هر یک از روش‌های پیشین، مبتنی بر اصول هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص خود هستند، با استفاده از بنیان‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی حکمت صدرایی، روش مبتنی بر این اصول به اجمال بازخوانی می‌گردد و بر این اساس، روش رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی توضیح داده می‌شود. صورت کامل این مقاله، در شماره چهل و دوم فصل‌نامه علوم سیاسی منتشر شد.

۹. نسبت فقه سیاسی و فلسفه سیاسی

این نوشتار، سرمقاله شماره بیست و ششم فصل‌نامه علوم سیاسی است. در این مقاله، ابتدا به جایگاه حکمت عملی و همچنین فلسفه و علم سیاسی یا تدبیر مدن در یونان پرداخته و سپس چگونگی انتقال این دانش از یونان به جهان اسلام بیان می‌شود. حکمت عملی در جهان اسلام، با حضور یک منبع معرفتی نوین و فعالی مواجه می‌شود که در طول عقل قرار می‌گیرد. حضور وحی و در حاشیه آن مرجعیت نقل، ظرفیت بخش هنجاری حکمت عملی را، تحت عنوان فقه گسترش می‌دهد و به این ترتیب فقه در امتداد حکمت عملی و فقه سیاسی و اجتماعی، در امتداد تدبیر مدن و فلسفه سیاسی قرار می‌گیرد. در پایان این بخش، به حضور تاریخی و پویای فقه اجتماعی و سیاسی شیعه در دوران معاصر اشاره می‌شود.

۱۰. ولایت فقیه؛ نظارت، مشروعیت

این عنوان مربوط به سرمقاله شماره بیست و پنجم فصل‌نامه علوم سیاسی است. در این مقاله، یکی از مفاهیم سیاسی، یعنی مشروعیت، با دو روش بنیادین معنا می‌شود. روش نخست، مبتنی بر بنیان‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی جهان اسلام است. در این روش مشروعیت، معنایی مستقل از مقبولیت پیدا می‌کند و روش دوم، مبتنی بر روشن‌گری مدرن و نفی ساحت استعلایی هستی است. در این روش فاصله مشروعیت و مقبولیت، نظیر فاصله حقیقت و واقعیت، از بین می‌رود و به دنبال آن، مشروعیت، نظیر مقبولیت، صورت تاریخی و نسبی پیدا می‌کند. در ادامه، تأثیر روش نخست که با تفکیک بین مشروعیت و مقبولیت همراه است، در نقد اجتماعی و سیاسی قدرت و شیوه و روش انتقاد دنبال می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که تفکیک بین مشروعیت و مقبولیت، تضمین‌کننده روشن‌گری و روشنفکری دینی بوده و زمینه نقد را برای اقتدار که به عرصه واقعیت گام نهاده است، فراهم می‌آورد.

۱۱. اخلاق و سیاست

نسبت اخلاق و سیاست، مسأله‌ای است که روش‌های مختلف، پاسخ‌های متفاوتی به آن می‌دهند. روشی که از عقل نظری و عملی، و هستی‌شناسی متناسب با آن استفاده می‌کند، به رابطه منطقی و علمی این دو دانش می‌رسد. غلبه حس‌گرایی، روشی را به دنبال می‌آورد که رابطه منطقی اخلاق و سیاست را قطع و بلکه واژگون می‌سازد. در این روش، به جای آنکه سیاست عرصه خودآگاهی اخلاق باشد، اخلاق عرصه غلبه قدرت می‌گردد. این فصل، در نشریه علوم سیاسی و در شماره بیست و سوم، به عنوان سرمقاله چاپ شده است.

۱۲. چیستی و هستی جامعه از دیدگاه استاد مطهری

این نوشتار، به داوری، مباحثی می‌پردازد که درباره وجود جامعه، بین علامه طباطبایی رحمته و شهید مطهری رحمته از یک سو و آیت الله مصباح رحمته، از دیگر سو انجام شده است. علامه طباطبایی و شهید مطهری، قائل به وجود جامعه و آیت الله مصباح، منکر وجود آن هستند.

پایامد این بحث، تکوین دو پارادایم و اصل موضوعی مختلف برای علوم اجتماعی است. اگر جامعه به عنوان وجودی جدا از افراد اثبات شود، رویکرد کل‌گرایی بر علوم اجتماعی غلبه پیدا می‌کند و جامعه‌شناسی کلان فرصت بروز و ظهور می‌یابد و اگر وجود جامعه انکار شود، جامعه به افراد آن تقلیل می‌یابد و در این صورت، فردگرایی روش‌شناختی، تثبیت شده و جامعه‌شناسی خرد اعتبار پیدا می‌کند.

با صرف نظر از تأثیر این بحث در تکوین روش‌های مختلف اندیشه اجتماعی، مقاله خصوصیت دیگری هم دارد، که نقل آن را در این اثر توجیه می‌کند. روشی که این مقاله در بحث از چیستی و هستی جامعه دنبال می‌نماید، روش نقلی است؛ براساس بنیان‌های معرفت‌شناختی جهان اسلام و از جمله براساس آنچه در مقاله رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی به اجمال بیان شده است. دو روش عقلی و نقلی، به گونه‌ای منسجم و سازمان‌یافته، در شناخت پدیده‌های اجتماعی و انسانی می‌توانند به کار روند. بیان تفصیلی این دو روش و چگونگی تعامل و همراهی آن‌ها، از محدوده مقالات این اثر خارج است. این مقاله، نمونه‌ای از کاربرد روش نقلی در مسائل اجتماعی را در معرض نظر خوانندگان قرار می‌دهد، مقاله‌ای که در شماره شانزدهم فصل‌نامه علوم سیاسی منتشر شده است.

۱۳. علم و فلسفه سیاسی در حوزه‌های علمیه

این فصل؛ مصاحبه‌ای است که در نشریه پگاه، شماره شصت و سه، ویژه حوزه‌های دینی، انجام شده است. در این مصاحبه، برای تبیین جایگاه فلسفه سیاسی در حوزه‌های علمیه ابتدا به چهار معنا از فلسفه سیاسی اشاره شد و سپس نسبت هر یک از معانی مزبور با زمینه‌های فرهنگی تاریخی حوزه‌های علمیه دنبال می‌شود و تعاملاتی که هر یک از معانی فوق با محیط معرفتی و علمی حوزه می‌توانند داشته باشند، شناسایی می‌گردد.

۱۴. آموزش علوم سیاسی در حوزه‌های علمیه

مطالب این فصل نیز حاصل مصاحبه دیگری است با نشریه پگاه، شماره شصت و یک ویژه حوزه‌های دینی؛ در این فصل، چگونگی ورود دانش و علم سیاست مدرن به محیط‌های آموزشی

حوزوی و نقاط ضعف و قوتی که این آموزش‌ها می‌توانند داشته باشند و چالش‌هایی که در اثر آن پدید آمده است، بازگو می‌شود. در این بخش، مقایسه‌ای اجمالی نیز بین مراکز مختلفی می‌شود که در حاشیه حوزه علمیه قم، به علوم سیاسی می‌پردازند.

۱۵. تمدن‌سازی، نظریه‌پردازی و گفت‌وگو

این فصل، سرمقاله شماره بیستم فصل‌نامه علوم سیاسی است. مطالب این فصل، مناسبتی تام با مطالب فصل پیشین دارد. در فصل قبل، به برخی از مسائلی که در اندیشه سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، در اثر مواجهه با دنیای غرب پدید آمده و به بازتاب‌ها و پی‌آمدهای این مسائل در قلمرو آموزش‌های حوزوی اشاره شده است و به ضرورت گفت‌وگوهای تمدنی و نیازی که جهان اسلام و همچنین دنیای غرب به آن دارد و به شیوه‌ها و روش‌هایی که در این گفت‌وگوها باید وجود داشته باشد و راه‌هایی که باید طی شود و طی نشده، به اجمال اشاره شده است.



نام روش‌شناسی حکمت صدرایی، منبذ از یکی از مقالات این مجموعه است با عنوان؛ «رنالیسم انتقادی حکمت صدرایی». انتخاب این عنوان، به این دلیل است که مطالب کتاب با رویکرد روش‌شناسی انتخاب شده‌اند و از منظر حکمت صدرایی نیز رقم خورده‌اند. گرچه تبیین روش‌شناسی حکمت صدرایی در حوزه اندیشه اجتماعی نیازمند به تبیین و تألیف مستقلی است. اما بدون شک مقالات این مجموعه در تبیین اصول، مبانی و ترسیم آفاق و ابعاد آن راهگشا می‌باشد.